

تدلیس ماشطه

ماشطه به معنی آرایش گر است اما در این بحث مطلق عمل آرایش گرها مد نظر نیست بلکه مراد آرایش زنی است که «یراد تزویجها» و یا آرایش کنیزی است که «یراد بیعها».

مرحوم شیخ می نویسد:

« تدلیس الماشطة المرأة التي يراد تزويجها أو الأمة التي يراد بيعها حرام بلا خلاف، كما عن الرياض و عن مجمع الفائدة: الإجماع عليه وكذا فعل المرأة ذلك بنفسها. و يحصل بوشم الخدود كما في المقنعة و السرائر و النهاية، و عن جماعة^١»

توضیح:

١. تدلیس ماشطه یا خود زن نسبت به خودش حرام است.
 ٢. از مجمع الفائدة ادعای اجماع نقل شده است.
- مرحوم محقق اردبیلی علاوه بر دو فرض فوق (تدلیس ماشطه و تدلیس زن نسبت به خودش) یک فرض دیگر هم مطرح می کند:

« بل لو فعلته أو لا لا للتدليس، ثم حصل في هذا الوقت المشتري أو الزوج، فإخفاؤه مثل فعله^٢»

مرحوم شیخ انصاری سپس به عبارت فقها در این باره اشاره کرده و می نویسد:

« قال في المقنعة: و كسب المواشط حلال إذا لم يغشش و لم يدلسن في عملهن، فيصلن شعور النساء بشعور غيرهن من الناس و يشمن الخدود و يستعملن ما لا يجوز في شريعة الإسلام، فإن وصلن شعرهن بشعر غير الناس لم يكن بذلك بأس، انتهى. و نحوه بعينه عبارة النهاية.

قال في السرائر في عداد المحرمات: و عمل المواشط بالتدليس، بأن يشمن الخدود و يحمرنهن، و ينقشن بالأیدی و الأرجل، و يصلن شعر النساء بشعر غيرهن، و ما جرى مجرى ذلك، انتهى.

و حکي نحوه عن الدروس و حاشية الإرشاد. و في عدّ وشم الخدود من جملة التدليس تأمل؛ لأنّ الوشم في نفسه زينة. و كذا التأمل في التفصيل بين وصل الشعر بشعر الإنسان، و وصله بشعر غيره؛ فإنّ ذلك لا مدخل له في التدليس و عدمه. إلّا أن يوجّه الأول بأنّه قد يكون الغرض من الوشم أن يحدث في البدن نقطة خضراء حتى يتراءى

١. كتاب المكاسب (للشيخ الأنصاري، ط - الحديثة)، ج ١ ص: ١٦٥

٢. مجمع الفائدة؛ ج ٨، ص: ٨٣





بیاض سائر البدن و صفاؤه أكثر مما كان يرى لولا هذه النقطة. و يوجّه الثاني بأنّ شعر غير المرأة لا يلتبس على الشعر الأصلي للمرأة، فلا يحصل التدليس به، بخلاف شعر المرأة.^۱
ما می گوئیم:

۱. آنچه در این مقام مورد حرمت قرار گرفته است تدلیس است به این معنی که خواستگار یا خریدار تصور کند زن از آنچه فی الواقع هست زیباتر است.
به این جهت می توان گفت آنچه مطرح شده است در گذر زمان تغییر می کند و لذا مثال های مطرح شده قابل مناقشه است، سپس باید توجه داشت که مطابق قاعده، اگر در تزئین و آرایش جنبه تدلیس داشته باشد، از باب حرمت تدلیس، حرام است، ولی اگر عرفا زیبایی را افزایش دهد در حالیکه عرفا تدلیس به حساب نمی آید حرام نیست. (مگر اینکه دلیلی خاص آن را بدون توجه به تدلیس حرام کرده باشد).
۲. با توجه به آنچه گفتیم و با توجه به اینکه در هر حال آرایش باعث زیباتر شدن انسان می شود، موضوع فروض متعدد می باشد:

الف) آرایش، زن را (یا مرد را) زیباتر از حد متعارف می کند به گونه ای که عرفا تدلیس به حساب می آید، قصد آرایش کنند هم تدلیس است.
ب) همان فرض در حالیکه قصد آرایش کننده تدلیس نیست.
ج) آرایش، زن را (یا مرد را) زیباتر از حد متعارف می کند ولی عرفا تدلیس نیست در حالی که قصد آرایش کننده تدلیس است.
د) همان فرض در حالیکه قصد آرایش کننده تدلیس نیست.

۳. به نظر می رسد فرض اول موضوع بحث فقها می باشد، فرض سوم هم از باب تجری است. اما فرض دوم ظاهراً حرام نیست چراکه تدلیس عمل قصدی است. در فرض چهارم هم طبیعی است که حرام نیست.
۴. با توجه به آنچه گفتیم تصور می شود آنچه مهم است تدلیس است و ماشطه بودن در موضوع دخالتی ندارد ظاهراً مطرح شدن آن به سبب روایاتی است که نفس آرایش گری را تحریم کرده است، برخی آنها را حمل بر تدلیس کرده اند ضمن اینکه بحث ازدواج و یا خرید کنیز هم ظاهراً به این سبب مطرح شده است که «تدلیس» در این مورد مطرح شده است و در سایر موارد اگر هم مرد و زن به طور پنهانی زیباتر می شده اند، تدلیس مطرح

۱. کتاب المکاسب (للشیخ الأنصاری، ط - الحدیثة)، ج ۱ ص: ۱۶۵

نمی‌شده است و لذا موضوعیت خاصی برای این قید مطرح نیست و از باب قید توضیحی است.



درس خارج فقه اسلامی کتب تمهیدی